آمریکای اشغالگر در کردستان عراق:
ماری در آستین، ننگی بر پیشانی!
دوستی با این هیولای آدمخوار، هرگز!

دول امپریالیستی غرب به رهبری آمریکا، دست «دوستی» بسوی کردها دراز کرده اند: یعنی در واقع طناب داری به کردها اهدا کـــرده اند! اشغال شمال کردستان عراق توسط ارتشهای جنایتکار این کشورها یوغ بردگی دیگری است بر گرده ملت کرد ـ هرچند رنك و لعاب «انساندوستی» به آن زده باشند. ارتشهائی که هنوز خون مردم عراق از پنجه هایشان می چکد و تازه از قساوت بزدلانه و قتل عام بیمارگونه شان در جنك خلیج فارغ شده اند به کردستان آمده اند که از کردها «دفاع» کنند و از آنان انتظار دوستی دارند. دوستی با کی؟ با گرگهائی که آدمکشی ، کشتار کودکان، تجاوز و غارت، بهترین تفریحشان است؟ با جنایتکارانی که برای بیست روز بمب هائی به قدرت تخریبی چند بمب هیروشیما، بر سر مردم عراق فرو ریختند، دهها هزار انسان را سوزاندند، دهها هزار تن دیگر را آنچنان معلول کردند که تا آخر عمر بار وحشیگری و جنون آمریکائی را بدوش خواهند کشید؟ دوستی با دون صفتانی که منابع حیات میلیونها انسان را آلوده و نابود نمودند؟ دوستی با این قاتلین حرفه ای نه تنها جای دلخوشی و شادمانی ندارد که مایه دهشت و ننك است! جای خلق کرد نه در سنگر ستمگران جهان که در صف قربانیان نظام آدمخوار امپریالیستی است؛ نه در سنگر جنایتکاران بین المللی که در سنگر پرولتاریا و خلقهای تحت ستم ـ در سنگر انقلاب جهانی ـ است و می باید این جایگاه را علیرغم نیات رهبران بورژوا ـ فئودال جنبش کردستان، با چنك و دندان حفظ کند.

رهبران بورژوا ـ فئودال کردستان عراق به مردم میگویند: آمریکا، انگلیس و فرانسه، دوستان ملت کردند! یعنی «دوستان ملت کرد» همان کسانی هستند که سرزمین کردها را به قوه جبر غصب کرده، آنرا قطعه قطعه نموده و سپس اهالی هر بخش را تحت یك نظام ارتجاعی وابسته بخود به اسارت کشیدند؛ همان کسانی که بخاطر حفظ و تداوم منافع استعماری و استثمارگرانه شان، دولتهای ارتجاعی مرکزی را در این منطقه شکل دادند و ساختارهای متکی بر ستم ملی علیه کردها و سایر ملل ستمدیده را برپا ساختند و تقویت نمودند. چه دوستانی! «خدا نصیب گرگ بیابان نکند!» همین «نیروی هوائی سلطنتی» انگلستان که اکنون با تفرعن برای کردها نان و آب پرتاب میکند، زمانی با خونسردی بر سرشان بمب میریخت تا بدین طریق دولت عراق را تثبیت نماید. همین آمریکائی که اکنون برای کردها اشك تمساح میریزد و به صدام حسین لعنت میفرستد، همواره کارزارهای خونین دولتهای ایران، عراق و ترکیه علیه توده های کرد ـ منجمله قتل عام حلبچه ـ را بخشی از تلاشهای این دول برای «دفاع از تمامیت ارضی » قلمداد می نمود و آن را منطبق بر «نظم و قانون بین المللی» میدانست. همین آمریکا که امروز خود را وکیل و وصی کردها جا میزند و رژیم عراق را بدلیل خیانتهای مکرر به توافقاتش با کردها محکوم میکند خود بارها چنین کرده است. خاطره تلخ قرارداد الجزایر و معامله بین ایران و عراق بر سر کردها که طبق نقشه آمریکا صورت گرفت و به کشته و اسیر شدن هزاران پیشمرگه انجامید را هیچکس فراموش نکرده است. اعتماد به اینان و رفتن زیر «چادر حفاظتی» اینان، مار در آستین پروردن است.

مواضع «دلسوزانه» این شکنجه گران بین المللی خلق کرد در حمایت از «حقوق کردها» در عراق، همواره نقش اهرم فشار بر رژیم آن کشور را بازی کرده تا پیشروی خط امپریالیستهای غربی در آنجا را تضمین نماید. این «دلسوزی» حربه حیله گرانه ای برای منحرف کردن جنبش ملی کردستان عراق و سرکوب موثرتر آن نیز بوده است. اما امروزه اهداف امپریالیستها فراتر از اینهاست. اگر جنك تجاوزکارانه دول غربی علیه عراق سنك بنای «نظم نوین جهانی» بود، اشغال کردستان سنك بنائی دیگر است. بدین ترتیب مداخله «رسمی و مشروع» ارتشهای غربی در کشورهای مختلف آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین جهت برقراری سلطه مستقیم بر هرآنجا که اراده کنند، بدعت گذاشته میشود. «نظم نوین جهانی» برای اکثریت اهالی یعنی کارگران و دهقانان و ملل ستمدیده و زنان این کشورها فقط یك معنا خواهد داشت: استثمار شدیدتر، ستمگری بیرحمانه تر، غارت و یا تخریب منابع مردم، و رعب و وحشت مداوم.

امپریالیستها برای «انسانی» و «مقبول» جلوه دادن توطئه ای که علیه کارگران و زحمتکشان و ملل ستمدیده جهان در شرف تکوین است، از مسئله کردستان استفاده میکنند. آنها بر پرده تلویزیون کسانی را نمایش میدهند که در کرکوك عکسهای بوش ـ این جانی حرفه ای ـ را بدست دارند یا بنفع او شعار میدهند. امپریالیستهای فریبکار بدین طریق به دروغ به جهانیان میگویند که کردها خود را به ما فروخته اند و خلقی که مبارزاتش به تمام ستمدیدگان منطقه الهام و امید می بخشید و تیر تفنگهایش خواب از چشم نوکران ما و دول مرتجع منطقه می ربود، اینك مزدور و مشاطه گر ما شده است. ماهواره های امپریالیستی، تصویر پیشمرگان کرد و توده های عرب در جنوب عراق را که دست در گردن سربازان یانکی و انگلیسی دارند، به سراسر جهان ـ به مکزیك، بنگلادش، پرو، آفریقای جنوبی، فیلی پین، فلسطین، ایران، پاکستان، شیلی، کنیاو غیره ـ مخابره میکنند و با موذیگری در صورت ستمدیدگان این کشورها قهقهه سر میدهند که دیدید از میان همزنجیران شما، عشاق سینه چاکی برای خود فراهم کردیم؛ در آمریکا این تصاویر را به ستمدیدگان سیاهی نشان میدهند که زخم اسارت یك میلیون تن از فرزندانشان را در آن «مهد دمکراسی» بر دل دارند؛ در بریتانیا، استعمارگران پیر این صحنه ها را به رخ ایرلندیها می کشند؛ در فرانسه با همین تصاویر است که رئیس جمهور حیله گرش ناخن در چشم کارگران تونسی و الجزایری و مراکشی میکند. اسرائیلی های جلاد نیز تبلیغ میکنند که کردها آرزو دارند دولتی مانند اسرائیل بسازند ـ یعنی تبدیل به ماشین آدمکشی و جاسوسی غرب در منطقه خاورمیانه شوند!

ساده لوحانی هستند که تحت تاثیر این تبلیغات بی وقفه و متمرکز بین المللی قرار گرفته و قبول میکنند که امپریالیستها «نگهبانان حقوق بشر » در جهانند؛ دیگرانی هم هستند که اگرچه اینگونه فریب نمیخورند اما مرعوب نمایش قدرت امپریالیستها شده، نتیجه گیری می کنند که هیچ چاره ای نیست مگر همراهی با سر قافله جنایتکاران جهان. در مقابل، اکثریت مردم جهان نه فریب می خورند و نه مرعوب می شوند ـ هرچند از اینکه امپریالیستها توانسته اند از مسئله کردستان چنین بهره برداریهائی کنند مسلما دل آزرده می گردند. چگونه میتوان از خشم بخود نپیچید وقتی که نام خلق مبارز کرد برای پیشبرد مخوفترین توطئه ها و جنایات علیه مردم ستمدیده منطقه و جهان، چنین بیشرمانه مورد سوءاستفاده قرار می گیرد. این امر قابل تحمل نیست و نباید باشد. چادرهای آبی رنك باید به آتش کشیده شوند تا کارزار تبهکارانه اشغال کردستان و تبلیغات جهانی امپریالیستها که از آن بوی تند خدعه و استخوانهای سوخته خلقهای ستمدیده منطقه به مشام میرسد با پاسخی درخور روبرو گردد.

اما در مقابل موج مسموم تبلیغات بین المللی، بورژوا- فئودالهای کردستان عراق و نمایندگان سیاسی آنان یا سکوت کرده اند و یا تکرار میکنند که: «آمریکا، انگلیس و فرانسه دوستان ما هستند»! چرا آنها چنین سیاستی پیشه کرده اند؟ چرا میخواهند به چنین حقارتی تن دهند و با جنایتکاران بین المللی دوستی کنند؟ چون میدانند هر مرتجعی در این جهان بخواهد به مقامات بالا برسد، قدرت و نفوذی بهم بزند و با استفاده از آن، دسترنج کارگران و دهقانان را تصاحب کرده و بر سرنوشت خلق مسلط شود، باید دوستی اربابان جهان ستم و استثمار را بخرد - بهر بهائی که باشد! این خط بورژوا - فئودالهای کردستان است. اما در کردستان عراق نیز مانند هر جای دیگر طبقات مختلف وجود دارد. پرولتاریا و دهقانان و روشنفکران انقلابی در کردستان عراق میگویند ننك بر چنین دوستی هائی که نه تنها ذره ای جوهر رهائیبخش ندارد بلکه سراسر بندگی و حقارت است! انقلابیون راستین کرد، دروغها و وعده و عیدهای امپریالیستی در مورد کردستان را باور نخواهند کرد؛ آنها میدانند که امپریالیسم «چیزی» جز ادامه ستم ملی برای کردها به ارمغان نخواهد آورد و حتی اگر هم بیاورد ما آن را نمیخواهیم و سر سوزنی آشتی با این دشمنان غدار بشریت نداریم. آنها میدانند که پیروی از شعار احمقانه «دشمن دشمن من، دوست من است » یعنی اعتبار بخشیدن به آدمکشی و تالانگری امپریالیستها در خاورمیانه و جهان. انقلابیون راستین اعلام میکنند: حقیقت آن است که «دشمن دشمن من، خود سردسته دشمنان من است» و حاشا اگر به امید دیدن «گوشه چشمی» از این جنایتکاران، صفوف گسترده پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان - این یاران تهیدست اما یك دلمان - را ترك گوئیم.

امروز سرمایه داری بین المللی از طریق یك نظام واحد جهانی که به آن امپریالیسم میگوئیم اکثریت مردم جهان را استثمار میکند و در مورد تولید، تغذیه، زاد و ولد، و مرگ و زندگیشان تصمیم گیری میکند. امپریالیسم بدین ترتیب همه ستمدیدگان و استثمار شوندگان جهان را همزنجیر و همسرنوشت ساخته است. سازمانده اصلی هر شکلی از ستم و استثمار در عصر کنونی - و بانی و نگهبان ستم ملی در اقصی نقاط جهان - همین قدرتهای امپریالیستی هستند و از اینرو مبارزه ملت کرد برای دستیابی به رهائی ملی، مانند مبارزه هر ملت ستمدیده دیگر، از مبارزه علیه امپریالیسم تفکیك ناپذیر است. همین امپریالیستها هستند که دیکتاتورهای خون آشام آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا را پرورانده اند و بر خلقهای جهان مسلط ساخته اند تا منافع سرمایه داری جهانی را در هر کشوری تامین نمایند. بزرگترین منبع ثروت کشورهای امپریالیستی، استثمار کارگران و دهقانان کشورهای تحت سلطه و غارت منابع طبیعی آنهاست.

امپراتوری ایالات متحده آمریکا بر خونریزی های بیحساب، تجاوز و تالانگری بین المللی و نیز مکیدن عصاره جان پرولتاریای خود این کشور استوار گشته است. تفنگهای همین ارتشی که ایالات متحده در شمال کردستان عراق مستقر نموده نسل سرخپوستان یعنی اهالی بومی آمریکا را تقریبا نابود کرد و زمینهایشان را تصاحب نمود؛ آمریکا به ضرب همین تفنگها بخش بزرگی از مکزیك را دزدید و به خاك خود ملحق نمود؛ بر فراز کشتی هائی که بردگان سیاه را برای فروش در بازارهای برده از آفریقا به آمریکا منتقل میکرد پرچمی در اهتزاز بود که هم اکنون در زاخو بر خاك کردستان کوبیده اند؛ همین تفنگها که شب ها «برای کردها» نگهبانی میدهد در سیاهی شب بر سینه جوانان سیاه پوست در زاغه های آمریکا گلوله میکارد و همین دستها که در دشتهای کردستان «چادرهای حفاظت» بر پا میکند سالانه بر دست صدها هزار ستمدیده سیاه دستبند میزند. گورهای دسته جمعی که گوشه ای از جنایات همین ارتش است به تازگی در پاناما کشف شده و هلیکوپترها و کلاه سبزهای آمریکائی هم اکنون در جنگلهای پرو بر سر دهقانان مواد شیمیائی مهلك و بمب های آتش زا میریزند تا از حمایت جنگاوران ارتش چریکی خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو دست کشند. همین ارتش آمریکا - همین ها که قرار است «دوست» کردها باشند - دوشادوش نهادهای جاسوسی ایالات متحده، درست چند کیلومتر آنطرفتر ارتش ترکیه را سازمان میدهد، شکنجه گر تربیت میکند، تشکیلات امنیتی آن کشور را نظم و کارآئی میبخشد تا انقلابیون کردستان ترکیه را از دم تیغ بگذراند و حلقه های زنجیر ستم ملی بر توده های کرد در آن دیار را از گزند جنبش برهاند. پشت ماسکهای «دلسوزی» و زیر همین چادرهای آبی رنك، آینده مشابهی را برای انقلابیون راستین در کردستان عراق تدارك می بینند. مگر همین ارتش آمریکا نبود که با واسطه گری اسرائیل، ده سال به ارتش جمهوری اسلامی اسلحه فروخت تا در جنك با عراق و در سرکوب مردم مبارز کردستان ایران بکارشان گیرد. اعتماد و اطمینان به این دشمنان غدار جایز نیست. آنها نه میخواهند ذره ای عدالت و آزادی برای خلقهای جهان فراهم آورند و نه میتوانند. معنای «آزادی و دمکراسی و عدالت» امپریالیستی را باید از صدها میلیون مکزیکی، آرژانتینی، بنگلادشی، پروئی، آزانیائی، فلسطینی، مصری و فیلی پینی و غیره پرسید. معنای «دفاع از حقوق خلقهای ستمدیده» فریبکارانی نظیر میتران و شرکاء را باید از شکنجه شدگان الجزایری پرسید که همین فرد در مقام وزیر داخله در دوران جنك الجزایر فرمان ضرب و شتم و آزارشان را امضاء میکرد. گردانندگان اصلی جوامع فلاکت زده سه قاره آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که فقر، گرسنگی، جنك، بیماری و بلایای طبیعی هر دقیقه از آنان هزاران قربانی میگیرد همین قدرتهای سرمایه داری جهانی هستند. دولتهای کوچك بومی صرفا کارگزاران اینانند و بدون کمك و رهبری آمریکا و امپریالیستهای دیگر هیچ غلطی نمیتوانند بکنند! در واقع اگر امپریالیستها از این دولتها حفاظت نمیکردند، توده های کارگر و دهقان بسادگی سرنگونشان می ساختند و امر انقلاب تا بدین حد پیچیده و دشوار نمی شد. بهمین جهت مبارزه علیه این دولتها بدون مبارزه علیه امپریالیسم هرگز به جائی نرسیده و نخواهد رسید. امپریالیستها ممکن است این یا آن رژیم ستمگر را جابجا کنند اما فقط وقتی که این کار به تقویت امر استثمار اهالی آن کشور و محکم کردن بندهای اسارت آنان خدمت کند.

امروز امپریالیستها و دولتهای مرتجع در سراسر جهان در بحرانی سخت غوطه ورند. جنگها و نیرنگهای آنان نه بیان قدرت که نشان استیصال است. آنها دیگر به روشهای گذشته و از طریق دولتهای وابسته قادر نیستند به مناطق تحت سیطره خود ثبات بخشند و جریان یابی فوق سودهای هنگفت از کشورهای تحت سلطه شان را سازمان دهند. از اینرو به تدابیری رو می آورند که یادآور دوران استعمار کهن است. امپریالیستها با این اعمال، آتش مبارزات انقلابی را در گوشه و کنار جهان شعله ور خواهند ساخت. این قانون انکارناپذیر تاریخ است که هرجا ستم باشد، مبارزه هم هست. تاریخ مبارزات خونین توده های ستمدیده کرد علیه نظم کهن نیز همین را نشان میدهد. همین مبارزات بوده که احترام عمیق خلق های انقلابی خاورمیانه و جهان را برانگیخته و باعث قوت قلب آنان گشته است. این جایگاهی رفیع و ارزنده است که توده های انقلابی در کردستان عراق آن را به هیچ بهائی و در هیچ معامله ای تاخت نخواهند زد. آنها می دانند که راه رهائی سخت و پرپیچ و خم است اما از تن دادن به اسارت طبقاتی و ملی تحمل پذیر تر است؛ و هرچند امروز هیچ دولتی نماینده اردوی جهانی «داغ لعنت خوردگان» نیست، اما انقلابات پرولتری دیر یا زود به ثمر خواهد رسید و دوباره دولتهای انقلابی بنا خواهد شد. این تنها طریق، رهائی و خلاصی ستمدیدگان جهان است و وظیفه پرولتاریای انقلابی در هر کشوری آن است که حزب خود را بسازد و با هدایت سازش ناپذیر مبارزه خلق علیه امپریالیستها و مرتجعین این مبارزه جهانی را تقویت کند. پرولتاریای آگاه در کردستان نیز بدون شك در راه پاسخگوئی به همین وظیفه نبرد خواهد کرد.

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

۲ خرداد ۱۳۷۰